



دورنمای فلاکت

و

اعتلای نوین انقلاب

تزهایی درباره اهمیت سپاسی بحران اقتصادی

همراه با

* مقدمه: جنبه‌های اصلی نبرد

طبقاتی در شرایط کنونی

* ضمیمه: نظری به تئوری مارکسیستی

بحران و استنتاجاتی در

مورد سرمایه‌داری

وابسته

چاپ دوم

بهمن ۵۹

مجاد مبارزان کمونیست

"سهند" هوادار "اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر" از این پس فعالیت خود را تحت نام "اتحاد مبارزان کمونیست" ادامه خواهد داد. توضیح مفصل دلائل این تغییر نام بدون شک از حوصله جنبش کمونیستی ما خارج است. در میان این دلائل می‌توان به اختصار به چند عامل اشاره کرد:

۱- تاکید بر استقلال ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی موجود میان "سهند" و "آرمان" (با توجه به این واقعیت که در جنبش کمونیستی ما "هواداری" از یک سازمان درجه‌ای از وابستگی‌ناقص می‌کند). از آنجا که "سهند" در یکسال فعالیت خود کاملاً مستقل از "آرمان" عمل می‌کرده است، این تغییر نام فی‌نفسه ابداً بیانگر تغییری در شیوه برخورد و مناسبات متقابل در گروه نیست.

۲- استفاده از نامی که با تغییرات کمی و کیفی ما ضرورت تغییر مجدد پیدا نکند.

۳- جایگزین کردن اسم خاص "سهند" با نامی که مدتها تلاش ما را در شرکت در تحقق آرمان‌های پرانتظار کمونیسم منعکس کند.

۴- جلوگیری و رفع اشکالاتی که تشابه اسمی ما با رفقا اثری که تحت نام "سهند" هوادار چریک‌های فدایی خلق فعالیت می‌کنند، ممکن است به انحاء مختلف برای آن رفقا، ما و دیگران ایجاد کند. ...

با توجه به عواملی که شمرديم بهیچي است که ما تحت نام جدید نیز دقیقاً بر مبنای همان مواضع ایدئولوژیک مبنی سیاسی و وظایف و برنامه کاری که در چهارچوب "سهند" تشریف‌کرده و تبلیغ نموده‌ایم به فعالیت خود ادامه خواهیم داد.

از "سهند" هوادار "اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر" صرف‌نظر از چند اعلامیه تهييجي و افشاگرانه تاکنون مطالب زیر منتشر شده است که در صورت تکثیر مجدد با نام "اتحاد مبارزان کمونیست" انتشار خواهد یافت:

- ۱- انقلاب ایران و نقش پرولتاریا (خطوط عمده) اسفند ۵۷
- ۲- درباره تحصن کارگران در وزارت کار فروردین ۵۸

- ۳- اسطوره سوزواری ملی رمترفی
 (پینکنار و مندمیه)
- ۲- سری ترجمه آثار لنین ۱
- ۵۸ دربارہ مقالہای از ارگان سوند
- ۱- سری ترجمه آثار لنین ۲
- ۵۸ شہرہ برخوردار بہ احزاب سوزووانشی
- ۵۸ تہ شرایط کنونی ووظایف دانشجویان کمونیست آبان

* * * * *

فهرست

صفحه

- مقدمه : جبهه‌های اصلی نبرد طبقاتی در شرایط کنونی ۵
- دورنمای فلاکت و اعتلای نوین انقلاب، تظاهراتی درباره
اهمیت سیاسی بحران اقتصادی ۲۱
- ضمیمه : نظری به تئوری مارکسیستی بحران و استنتاجاتی
درباره سرمایه‌داری وابسته ۵۲

توضیح اینکه دو مقاله اول در ماههای مهر و آبان ۵۸ نوشته شده و در آذر ماه در سطح محدودی در اختیار برخی نیروها قرار داده شد. ما با توجه به محتوای این مقالات، که اهمیت و موضوعیت خود را همچنان حفظ کرده‌است، تغییر و یا جرح و تعدیل مهمی را در آن ضروری نمی‌بینیم، هرچند که در برخی موارد نکات جدیدی را در قسمت توضیحات گنجانده‌ایم.

■ مقدمه : جبهه‌های اصلی نبرد طبقاتی در شرایط کنونی

"مساله اساسی هر انقلاب مساله قدرت حاکمه در کشور است..." و بیش از هشت ماه پس از قیام خونین بهمن ماه و سرنگونی رژیم سفاک شاه، این مساله اساسی انقلاب ایران از نقطه نظر کارگران و زحمتکشان کشور مادامت نخورده باقی مانده است. بورژوازی همچنان با دستهای لرزان خویش در قدرت سیاسی جنگ انداخته است. امواج انقلاب خونین کارگران و زحمتکشان، کارکشته‌ترین و آبدیده‌ترین سیاستمداران بورژوازی و امپریالیسم را، که ده‌ها سال سیاه‌ترین دیکتاتوری امپریالیستی جهان را سرپا نگاه داشته بودند و ایران را از قبل استثمار و احتیانه کارگران و زحمتکشان به بهشت سرمایه‌داران بدل کرده بودند، از آریکه قدرت بزیرکشید، ولی قدرت رانه به توده‌های کارگر و زحمتکش، بلکه به خود بورژوازی، آنهم به کودن‌ترین، آشفته‌فکرترین و بی‌مایه‌ترین نمایندگان سیاسی این طبقه، بازسپرد. لیکن همین سیاستمداران تازه به دوران رسیده بورژوازی، هرچند موقت، به لطف نفوذ و سلطه رهبری خرده بورژوازی برجایش انقلابی، قادر به انجام امری شدند که دستگاه حکومت شاه، با تمام امکاناتش، در مقابل آن عاجز مانده بود: اینان توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان انقلابی را خلع سلاح کردند، از مبارزه انقلابی کنار راندند و به سکون و سکوت کشاندند. زحمتکسانی که در زیر باران گلوله به امپریالیسم و سرمایه‌داری نه گفته بودند، در یک روز صلح آمیز به پای صندوق

مان آریز را بسند، شعار سرنگوسی، فریاد "منت گره کرده ما سرور"
سخت می بود" و با آن همه نام مسخانه بوده هابه حماست و با بسند
رژیمی بدل گشت که در موضعگیری صفاتی و نقش سیاسی خود هیچگونه
تفاوت ماهوی با رژیم شاه ندارد. رژیمی که فعلا نه به دفاع از
امپریالیسم و مناسبات سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب
زحمتکشان ایران گمراه است.

لیکن اگر انقلاب به حل مساله اساسی خویش، مساله قدرت
حاکمه، با ثبات نیامده است خویش دروسی و توان حرکت خویش را هم از دست
داده است. بعبارت دیگر اگر انقلاب پیروز نشده است، شکست
بیر بحورده است. برای درک این مساله کافی است از خود پرسیم
که آیا سرنگوسی رژیم شاه و نه تخت نشستن خادمین جدید امپریالیسم
نیم و بورژوازی، در ماهیت مساله اساسی و مسائل پایه ای انقلاب
حاضر، در نیروهای طبقاتی محرکه این انقلاب و انگیزه های اقتصادی
سیاسی حرکت این نیروها تغییری داده است؟ پاسخ این سوال بدون
شک منفی است. بحران اقتصادی نظام سرمایه داری وابسته، کسب
سرمشتا بحران سیاسی بورژوازی و اوج گیری شرایط انقلابی سوا
نه تنها مرتفع نشده است، بلکه شدت بسر یافته است. کارگران
و نیز زحمتکشان غیر پرولتری که نیروی محرکه اصلی انقلاب
را تشکیل می دادند همچنان باسرها در عرصه مبارزه طبقاتی حضور
دارند، در حالیکه هیچکدام از جواسهای انقلابی اقتصادی و سیاسی
آنان برآورده نشده است. مبارزه طبقاتی به انتقال حکومت از
بورژوازی به کارگران و زحمتکشان بیانجامده و دستگاه حکومت
همچنان در دست ضدانقلاب به مثابه ابزاری موثر در سرکوب انقلاب
عمل می کند.

حال سوال اساسی اینست که اگر از نقطه نظر شرایط سیاسی
اقتصادی جامعه و ریشه های حرکت انقلابی طبقات زحمتکش، فلسفه
انقلاب همچنان می نماند، چگونه می توان رخوت اندام آن یعنی دست
کنیتش بدست آمده کارگران و زحمتکشان را مبارزه مستقیم بر سر
قدرت سیاسی را توضیح داد و برای جنب مجدد آنان به چنین مبارزه
آن در این معنی معنی چه باید کرد؟ درک محور اساسی ناکنیک های

مبارزاتی کمونیستها در شرایط حاضر در پاسخ صحیح به سوال فوق
نهفته است :

همانطور که گفتیم دست کشیدن توده های کارگر و زحمتکش
از شعار سرنگونی و کنار کشیدن آنان از مبارزه انقلابی مستقیم بر
سر قدرت سیاسی ، ابدان نتیجه سرنگونی نظام سرمایه داری وابسته ،
قطع همه جانبه سلطه امپریالیسم و حصول خواستهای انقلابی زحمت -
کشان نبود . ریشه های این عقب نشینی سیاسی می باید قبل از هر چیز
در شرایط ذهنی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان انقلابی و توهمات و
اعتماد کنگ آنان به رهبری خرده بورژوازی و بخصوص فرد خمینی
و دولت بورژوازی منتصب او جستجو شود . توهمات که متأسفانه
بخش وسیعی از جنبش کمونیستی ، با عجز خویش در ارائه و تبلیغ
مشئ سیاسی مستقل ، با محروم کردن پرولتاریا از نقد پرولتاری
ایدئولوژی و سیاست های احزاب غیر پرولتاری ، با غرق شدن در
خملت دموکراتیک انقلاب و غافل ماندن از رسالت سوسیالیستی خود
و ... که همه بازتاب حاکمیت دیدگاههای عموم خلقی و مساوراء
طبقاتی در جنبش کمونیستی ما بود . در دامن زدن به آن تأثیر
بسیاری داشت . اینک همین توهمات توده هاست که به رژیم جدید
بورژوازی در ایفای نقش خائنانه اش در خدمت امپریالیسم توان
می بخشد . افشاگری از ماهیت طبقاتی و نقش سیاسی رژیم کنونی و از
این طریق طرد توهمات توده های زحمتکش نسبت به آن ، قدم اول در
باز فراخواندن کارگران و زحمتکشان به مبارزه برای تصرف قدرت
سیاسی و محور اساسی تاکتیک های کمونیستی را در مقطع کنونی
تشکیل می دهد . لیکن نکته اساسی اینست که این افشاگری می باید ،
نه از موضعی عموم خلقی ، لیبرالی و مساوراء طبقاتی ، بلکه از
موضعی کارگری و با عنوان مضمونی کاملاً پرولتاری صورت پذیرد .
این افشاگری صرفاً می تواند از یک سو بر مبنای تشدید مبارزه
ایدئولوژیک در درون جنبش کمونیستی ، طرد دیدگاههای غیر پرولتاری
و حرکت در جهت وحدت مارکسیست - لنینیست ها ، و از سوی دیگر با
تکیه بر برنامه پرولتاریا در انقلاب حاضر (و نه رویاهای
"مجاهدین نستوه" و خوش نیت) ، با تکیه بر برنامه ای که می باید

دست آورد اصلاحی عدم به عدم مبارزه ایدئولوژیک و سردی مبارز-
تصمیمات تصمیمات باشد انجام شود. همانه سرمایه سر ایس
سخت که به بوده نشان دهیم که رژیم موارین "دموکراسی" را اغلب
می کند، بحای مجلس موسان مجلس سرکان تکمیل می دهد، سینه
بفهرات، تحصی ها و اجتماعات تورش می سرد و می کشد و یا اینکه
وعده و وعده های اقتصادی و رفاهی خویش را ریزر یا می گذارد، بس
درجده، این چیزی است که توده ها خود قبل از هرکس نمس می کنند
: فاشگری کمونیستها، بعضی افشاگری از موضع مستقل کارگری
می باید مشخصه بوده ها نشان دهد که رژیم کمونیستی حرا چیست
می کند، نشان دهد که رژیم، بنا بر حلیت ضعیف اش وینا سینه
و نمی تواند در سعادت امپریالیسم و سرکوب انقلاب سرمایه دار
می تواند دموکراتیک عمل کند، می تواند حواسهای اقتصادی
و سیاسی کارگران و زحمتکشان را تحقق بخشد، و می باید مشخصان
دهد که تنها برنامه پرولتاریا در انقلاب حاضر است که می تواند
بد این حواسها تحقق بخشد، می باید نشان دهد که بناده گسردن
برنامه پرولتاریا جز از طریق اسفرا و حاکمیت سیاسی کارگران
زحمتکشان ممکن نیست و ناگزیر کارگران و زحمتکشان می باید بسا
دیگر برای تصرف قدرت سیاسی بپا خیزند، تنها با طرد دیدگاههای
عموم حنفی، تنها با مبارزه پیگیر با التقاط فکری موجود در
جنبش کمونیستی، با منزوی کردن هواداران رنگارنگ "پورژواری ملو
و مرفی"، با تثبیت این درس پایه ای مارکس، انگلس، لنین
و بلشویسم که انقلاب دموکراتیک برای پرولتاریا صرفا بوجه
آورنده شرایط لازم برای حرکت نهایی سوی سوسیالیسم است، و
می توان از موضعی پرولتری به افشاگری پرداخت، "افشاگری" از
موضع دیگر، هر قدر هم که نام "کارگر" را با حروف درشت بر بیک
سازمان خویش خالکوبی کرده باشم، در قامت امر چیزی جز نق زد
ها و میگیری های لیبرالی نخواهد بود، کمونیست ها می باید
یکبار برای همیشه دست ارکلی گویی ها و مبهم گویی های دیپلما
سیک در مورد "انحصار طلبان"، "ارتعاج"، "میوه چینان انقلاب"
"تنگ نظران" و "مشروعی ها" و ... برداشته و دشمنان

طبقاتی پرولتاریا و سایر زحمتکشان را با صراحت و با اسم و رسم برای توده‌ها افشا نمایند. کمونیست‌ها می‌باید در هر قدم به کارگران و زحمتکشان نشان دهند که تنها با سرنگونی کامل و قطعی حکومت بورژوازی، تنها با تصرف حکومت است که می‌توانند خواسته‌های انقلابی خویش را عملی سازند.

لیکن درک ضرورت افشاگری پرولتری از یکسو و مبارزه ایدئولوژیک پیگیر از سوی دیگر، بخودی خود تنها قدم اول در تعیین تاکتیک‌های صحیح مبارزاتی است. قدم بعد شناخت مسائل مبرم مبارزه طبقاتی در مقطع کنونی است. مسائل مبرم مبارزه طبقاتی و انقلاب حاضر (که بازتاب درجه، معینی از رشد و بسط مبارزه طبقاتی در کشور ما است) کدامند؟

مسائل مبرم مبارزه طبقاتی مسائلی هستند که در هر مقطع مشخص، تناقضات زیر بنایی جامعه و انگیزه‌های درونی حرکت طبقات متخاصم جامعه را به حادترین و بارزترین شکل در خود متبلور می‌کنند. مسائلی که رویارویی طبقات متخاصم جامعه در هر مقطع عمدتاً بر محور آن شکل می‌گیرد.

انقلاب ما می‌باید در تحلیل نهایی تکلیف تناقضات درونی این نظام بحران زده را یکسره کند: یا پیروز شود و سرمایه‌داری وابسته را با تناقضات درونی آن بگور بسپارد و بر ویرانه‌های آن نظامی با قوانین حرکت نوین ایجاد کند، و یا شکست بخورد و به سوز و آزی و امبریالیسم فرصت دهد تا بردوش کارگران و زحمتکشان شکست خورده بحران اقتصادی - اجتماعی خویش را نخبف بخشد و دوره جدیدی از انباشت سرمایه را بر عرصه تخریب شدید سطح معیشت کارگران و زحمتکشان و درهم شکستن ارگانهای سیاسی و مبارزاتی آنان (نهادهای سیاسی کارگری و گروه‌ها و سازمانهای کمونیستی)، آغاز کنند. مسائل پایه‌های انقلاب ما تا یکسره شدن مساله قدرت سیاسی با برجای باقی خواهد ماند. تناقضات اقتصادی و اجتماعی نظام تولیدی و انگیزه‌های زیربنایی حرکت طبقات انقلابی (و نیز طبقات ضدانقلابی) در طول تحول انقلابی جامعه، با رویدادهای

سای و اقتصادی روز تعمیر نمی‌کند، بلکه در هر مقطع در رابطه با تمام نیروهای انقلاب و در سطح کشور در عرصه‌های سیاسی، درجه رشد آگاهی طبقاتی کارگران و زحمتکشان و درجه‌های عملی تشکیلات سیاسی - مبارزاتی آنان، شیوه‌ها و سیاست‌های اردوگاه ضدانقلاب و... در مسائل و موضوعات مشخصی در عرصه مبارزه طبقاتی منطبق می‌گردد. نفی احتمالی امپریالیسمی و سرنوشتی دیگر صورتی آن مسائل بنیادی و محرک انقلاب دموکراتیک با موده و تمام‌جهان نهایی مبارزه نیروهای انقلاب و ضد انقلاب بر سر قدرت سیاسی، بقوت خود باقی خواهند ماند. لیکن این مسائل بنیادی همواره مستقیماً و بلاواسطه و بشکل "تاب‌خود" در عرصه مبارزه طبقاتی متبلور نمی‌گردند، بلکه تبلور خویش را، بواسطه مولفه‌های عینی و ذهنی کنکرت و متنوع، در مسائل معین و مشخصی می‌یابند که بنیاد انقلابی در هر مقطع بر محور آن بسیج شده و به مبارزات انقلابی خویش ادامه می‌دهند. درست بهمان صورت که "جنگ" حسدا از جبهه‌های مشخصی که این جنگ در آن به وضوح جریان دارد، موجودیت نمی‌یابد، انقلاب نیز جدا از نقاط روباروشی مشخص نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، جدا از مسائل مبهم مبارزه طبقاتی در هر مقطع قابل تصور نیست. شرکت در انقلاب، بی آنکه تشخیص دهیم که انقلاب در هر مقطع تداوم خویش را در کدام عرصه‌ها به نمایش گذارده است مانند آنست که بخواهیم در جنگی شرکت کنیم بی آنکه سراغ جبهه‌های معین آنرا بگیریم.

با این ترتیب برای پیشاهنگ کمونیست، که اراده انقلابی خویش را بر شناخت قوانین مادی حرکت جامعه و ضروریات آن استوار می‌سازد، صرف‌داستی اینکه انقلاب از چه مسائل زیربنایی ریشه می‌گیرد و در پیروزی خود چه به ارمغان خواهد آورد، کافی نیست. آنچه پیروزی انقلاب را از یک آرمان بر حق و انگیزه ذهنی حرکت به واقعیتی بالفعل بدل می‌کند، شناخت مسائل مبهم مبارزه طبقاتی، که مسیر مادی حرکت انقلابی جامعه را مشخص می‌سازد - شناخت این جبهه‌های اصلی انقلاب - بوسیله کمونیست‌ها، و شرکت فعالانه آنها در مبارزه‌ای است که طبقات انقلابی و پویتره

طبقه کارگر ناگزیر در این عرصه‌ها دنبال می‌کند. مسائل مبسوط مبارزه طبقاتی مسائلی هستند که در هر مقطع طبقه کارگر (و زحمتکشان دیگر) را با آگاهی و امکانات سیاسی - مبارزاتی موجودش بر اساس مرزبندی طبقاتی به عرصه مبارزه فرا می‌خوانند. مسائلی که می‌باید ناگزیر نقطه آغاز و مرکز توجه کمونیست‌ها قرار گیرد.

پس برای تعیین آن عرصه‌هایی که می‌باید فعالیت انشاگرانه و مبارزه ایدئولوژیک ما بر آن استوار گردد، می‌باید سوال را اینگونه طرح کنیم: کارگران و زحمتکشان انقلابی ایران، در مقطع کنونی بر محور کدام مسائل مشخص به مثابه طبقات انقلابی، مبارزات خویش را دنبال می‌کنند؟ جبهه‌های اصلی نبرد طبقاتی توده‌های کارگر و زحمتکش بر علیه استثمار و دیکتاتوری امپریالیستی چیست؟

بگمان ما انقلاب دموکراتیک ایران تداوم و نیز ماهیت و جوهر طبقاتی خود را در دو عرصه مشخص به وضوح آشکار ساخته و توده‌های کارگر و زحمتکش را، هم اکنون، به پیگیری مبارزات انقلابی در این دو عرصه فراخوانده است:

الف: مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر کشور بر علیه فلاکتی که نظام سرمایه‌داری وابسته و بحران ریشه‌ای آن بر آن‌ها تحمیل می‌کند.

ب: مبارزات انقلابی زحمتکشان کردستان در دفاع و بسط دستاورد های دموکراتیک انقلاب در مقابل نیروهای سرکوبگر رژیم کنونی.

جزوه حاضر به طرح تزهائی در مورد مساله اول (فلاکت

« - باید از سطح مبارزه توده‌ها آغاز کرد و آنرا ارتقاء داد » این حکم پایدای مارکسیسم چه بسیار بد فراموشی سپرده می‌شود و بی‌ا بهتر بگوئیم چه بسیار بوسیله این کلی گویی اکونومیستی که « باید از سطح توده‌ها آغاز کرد » و یا « باید آنجا که توده‌ها هستند حضور داشت » جایگزین می‌گردد. هواداران شی جریکی در دوران دیکتاتوری سیاه شاه مزدور، و اکونومیستهای امروزی ما کسسه

و حران اقتصادی (احصای بافته است و واضح است که ارائه جمعیتی
های بخشی در مورد مسائل کردستان ترکیه و مرمر ترمین و سایر نظریه
کمونیتهاست. آنچه در این مختصر باید مورد تاکیـ
قرار گیرد، پیوند ناگزیر این دو مسئله مرمر، و مکان حیاتی آن در
تعمیر وظایف کمونیستها در شرایط کنونی است.

دنیاله پاورمی از سطح قبل

"مرمر بندی" ماضی جریکی را قاطعانه طلب می کنند، هر دو ارمرامون
کردن این حکم پایه ای مارکسیسم آغاز می کنند. اولی اصولاً "سطح
مبارزه نوده ها" را به کناری می نهاد و حدا از آن مبارزات خود را
سازمان می داد، و این دومی - که براساسی روی دیگر همان سکه است
آنچنان در مسائل سیاسی روزمره غرق می شود و چنان حرکات حسود را
در عکس انعمش های روز بروز نسبت به مانورها و سیاست های روزوار
و امیرالسم تعریف می کند که در عمل از تعیین "سطح مبارزه نبود
ها"، از تعیین همه های اصلی نبرد طبقاتی، شانه خانی می کشد
و به دامن امپریسم و دنیاله روی از حوادث می غنند، اگر بپذیرد
کسه هر حرکت کمونیستها، اعم از تهییج و ترویج و بسیج
توده ای و یا مبارزه ایدئولوژیک و وحدت، می باید بر عرصه مبارز
طبقاتی و در پیوند ارگانیک با آن انجام پذیرد، آنگاه بایست
بپذیریم که شناخت بستر اصلی جریان مبارزه طبقاتی، شناخت
مسائل مرمر این مبارزه، یک وظیفه خطیر کمونیستهاست.

ساز بیاوریم "دولت را تضعیف نکنیم" و "در مراسم
تیر بدعوت طائفاتی شرکت کنیم" چریکهای فدائی خلق را، سید
بیاوریم "ترخورد دوگانه بدولت باررگان" و "تلور ۵۰ سال مبارز
ند امیرالسمنی دانستن آقای طائفاتی" از طرف برخی از گروهها
کسرانس وحدت را، و بالاخره بیاوریم تاکتیک "افشاگرانه
شرکت در انتخابات مجلس خبرگان را، در این شکی نیست که رفقا
در نمی آیند حرکات همراه نوده ها حرکت کردند، از سطح توده ها
آغاز کردند و احکاده نوده ها بودند حضور داشتند، و این دقیقاً هما
مشی دنیاله روی - روی دیگر مشی جریکی - است، توده ها وسیعاً

در وهله اول باید توجه کرد که مبارزات کارگران و زحمتکشان در مقابل یورش بورژوازی و امپریالیسم به سطح معیشت آنان از یکسو، و مبارزات خونین خلق دلاور کرد در دفاع از دسنا-وردهای دموکراتیک انقلاب ایران از سوی دیگر، مبارزاتی مجزا، مستقل و قائم به ذات هستند. بلکه هر دو وجوه مختلفند و مداوم

دنباله پاورقی از صفحه قبل

فرانگوم شرکت کردند، در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کردند، در مراسم تشییع مطهری و طالقانی شرکت کردند، در سخنرانی های عوامفریبانه و تو خالی بنی صدرها و قطب زاده ها شرکت کردند، در تأیید خمینی و دولت بازرگان بارها و بارها شرکت کردند، در راه پیمایی ها و تظاهرات مختلف بفتح پاسداران و ارتشپانی که در دفاع از سرمایه و امپریالیسم سجان خلق کرد افتاده اند شرکت کردند و... ولی آیا این سطح مبارزه توده ها بود؟ مسلماً خیر. این سطح توهمات آنان، سطح سازش طبقاتی آنان بود. هیچیک از این مسائل، که دهها و صدها هزار کارگر و زحمتکش را (در کنار گروه های تجار و سرمایه داران و ارتشپان، و خلاصه همه اقلیتار "امت اسلامی") بر محور خویش گرد می آورد مسائل مبرم مبارزه طبقاتی نبودند. چرا که اصولاً توده های کارگر و زحمتکش به هیچ یک از این عرصه ها برای مبارزه طبقاتی با نگذاشته بودند. در هیچیک از این عرصه ها به مناسبت طبقات و بر محور منافع طبقاتی مستقل خود شرکت نجسته بودند. کمونیستها می باید از سطح مبارزه توده ها آغاز کنند و نه از "سطح توده ها". و این سطح مبارزه را صرفاً در ارزیابی برخوردار توده های کارگر و زحمتکش به مسائل مبرم مبارزه طبقاتی می توان تعیین کرد. کمونیستها باید از جایی آغاز کنند و درجایی حتماً حضور داشته باشند که کارگران و زحمتکشان بر منافع طبقاتی خود پای می فشارند و برای تحقق آن به مبارزه برخاسته اند و نه آنجا که از سر آمد و تسلیم و از روی اعتماد و توهم، برای بیعت با ارنجاع و تایید کررکور-اسه رژیم ناجی امپریالیسم، تشییع منافع طبقاتی خود بیرون کشیده شده اند. مسائل مبرم مبارزه طبقاتی ماتالی هستند که

امتیازات ایران را در شرایط جدید معارزه طبقاتی، مسطور و عرض
می‌کند. معارزات اقتصادی کارگران و زحمتکشان با روش‌های
استمرار و تشدید بحران نظام سرمایه‌داری وابسته و پامشاری
آن بر خواسته‌های حقه خویش است. خواسته‌هایی که جز با سرنگونی
این نظام تحقق نخواهد یافت. لیکن این واقعیت که این معارزات
در شرایط حاضر در چهارچوبی اقتصادی محصور می‌شود و تنها راه
بیردنی و اطمینانی خود، یعنی سرنگونی سوزوزازی و حکومت آنسرا در
دستور خویش فرار نمی‌دهد، خود بیانگر بقاء توهمات حربه سوزوزا
و اعتماد گنگ بخش وسیعی از زحمتکشان به دولت سوزوزا و نیز
بهمان اندازه بازناب ضعف عمومی جنبش کمونیستی رفندان بیگ
برنامه روشن پرواگیری است. افشاگری از رژیم کمونی و ارائه راه
حل پرواگیری از انقلابی در مقابل "راه حل" سوزوزا و اهمیت
ایسی و فرد توهمات توده‌ها ناگزیر معارزات اقتصادی کنونی
راه بسط منطقی و ضروری خود، یعنی پذیرش شعار سرنگونی
سوسینه توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش ارتقاء خواهد داد.

از سوی دیگر در گردستان وجه دیگری از تداوم انقلاب

دنیاله یا ورفی از صفحه قبل

توده‌های کارگر و زحمتکش نمی‌توانند، حتی در حرکت خودبخودی خو
برای حل آن، مستعل از مرزبندی طبقاتی حرکت کنند. مسائلی که
منزعم نرسن کارگر و عوام فریب‌ترین سوزوزا را ناگزیر به جهت
گیری پروا روی می‌کشاند، مسائلی که در آن "وحدت کنیم" ما و راه
طبقاتی را نمی‌توان حفظ کرد، مسائلی که جزء لاینفک موجودیت
و بستر حرکت جامعه طبقاتی است و مبارزه بر متن آن، هر قدر
که کارگران و زحمتکشان تخدیر شده باشند، و با ازسار و سرک سیاسی
سنگیلاتی بی بهره باشند تعطیل سردار نیست. جدا از این مسائل
هر تاکسک و سیاست بناچار تاکتیک و ساستی "جدا از طبقه" خواهد
بود، چرا که جدا از بستر اصلی جریان معارزه طبقاتی اتخاذ شده
است. جدا از این مسائل هرگونه مرزبندی با مشی چریکی، جز
مرزبندی ای بی محتوا و صوری و فاقد هرگونه ارزش ایدئولوژیک-
سیاسی، چیزی نخواهد بود.

ایران به وضوح رخ می‌سپارد. زحمتکشان کردستان بدلائل مختلف ، که توضیح آن از ظرفیت این مختصر خارج است ، به رژیم نوظهور بورژوازی و مآشران خرده‌بورژوازی آن دل نبستند و بدین‌حال پیام بهمن بسرعت ابزار اعمال اراده مستقیم خویش را پایه ریختند و دفاع از دستاوردهای انقلاب و بسط آنرا به وظیفه مبرم خویش بدل کردند. بهمین خاطر، بورژوازی که ابزار تحمیق مذهب و لیبرالی را موثر نمی‌یافت ، در کردستان به راه حل نهائی خویش ، یعنی سرکوب قهرآمیز کارگران و زحمتکشان انقلابی ، متوسل گشت . در نظام سرمایه‌داری وابسته ، یعنی در نظام سرمایه‌داری تحت سلطه امپریالیسم ، حاکمیت بورژوازی و امپریالیسم جز بانفی تمام ابعاد دموکراسی میسر نیست و آنجا که توده‌ها خود "بازبان حوش" حقوق دموکراتیک خود را به قیم های رنگارنگ ، به مقربیسین بارگاه الهی و مومیایی های از گور برخاسته قرون وسطایی ، که اینک چند صباحی رسالت "هدایت" زحمتکشان را به مسلخ امپریالیسم بر عهده گرفته‌اند ، واگذار نکنند ، آنجا که توده‌های کارگر و زحمتکش استوار و محکم بر اراده مستقل خویش تکیه زنند و در دفاع از دستاوردهای انقلاب خونینشان دلاورانه ایستادگی کنند ، آنجا دیگر بورژوازی میاشترین مقدسش را مرخص کرده و مرزندان "غیورش" را از آکادمی های نظامی آمریکایا تمام تجهیزات فرا خوانده و دستورکشتار خواهد داد. برآستی که "مساله کرد و فارس مطرح نیست" مساله تنها و تنها برسر درجه آگاهی سیاسی توده‌ها و وقوف آنان بر وظایف مبرم انقلاب حاضر و نیوه‌های ضروری به سرانجام رسانیدن آن است .

باین ترتیب مبارزات اقتصادی و اوج گیرنده کارگران و زحمتکشان سراسر کشور و مبارزات انقلابی خلق کرد در کلیت و پیوند خود ، مسائل پایه‌ای انقلاب ایران ، دینامیسم درونی این انقلاب و شرایط لازم برای پیروزی آنرا به نمایش می‌گذارد :

۱) مکتوب ماسدن شعار سرنگونی حکومت بورژوازی و امپریالیسم و جایگزین شدن آن از یکسوی تولید شعارهای اقتصادی بحسب

و سببش از کارگران و زحمتکشان کشور و از سوی دیگر سوسیال دموکراسی
فلسفه محاربه از طرف سوسیالیست از جنبش مبارز کردستان خود بیابگر
نعمت بخشی ای است که رژیم کمونیستی با تکیه بر ماهیت عوام‌مردانه
خود، سرکس جنبش انقلابی ایران را تحمل کرده است. آنجا که توده‌ها
با تصور بسروری تمام بهمن و با اعتماد به رهبران سازشکار سوسیالیست
مبارزات سیاسی را از کف نهادند، ناگزیر موقتاً در پافشاری بر
اهداف انقلابی خود به عرصه مبارزه اقتصادی رانده شدند. از سوی
دیگر در کردستان که چنین نوه‌ها را اعتقاد عمده‌ای وجود نداشت،
دست‌ها تا این خاطر که توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش در دیگر
بخش کشور به تأیید رژیم سرحاسنه و اختیار خود را در عرصه
سیاست به خرده‌بورژوازی قشری و محافظه‌کار و بورژوازی لیبرال ریا
کار واگذار نموده بودند، طرح شعار "سرنگونی و ادامه مبارزات
فهرآمیز تا تصرف کامل قدرت سیاسی" از طرف زحمتکشان انقلابی
کردستان، قدرت بسج آبی و توده‌ای در سطح کشور را نداشته و
ناگزیر جوهر انقلابی خود را در قالبی محدودتر، یعنی شعار "خود
مختاری" عرضه می‌کند. در این مقطع معین از انقلاب ایران
خواست خودمختاری، قالب تدافعی طرح شعار "سرنگونی" است
خودمختاری برای کردستان، در شرایط کمونیستی مبارزه طبقاتی،
یعنی عدم دخالت رژیم بورژوازی و امپریالیسم در کردستان، یعنی
واگذاری سرنوشت مبارزه طبقاتی به تناسف محلی نیروهای انقلابی
و مدافعان، یعنی سرکوب کامل ارتجاع و اعمال حاکمیت مستقیم
کارگران و زحمتکشان در کردستان، یعنی استقرار قدرت شوراهای
و اتحادیه‌های دهفانی و کارگری در کردستان، یعنی حل مسائل
ارضی به شیوه‌ای انقلابی، یعنی شکست ارتجاع امپریالیستی و
یکی از مهمترین عرصه‌های مبارزه، یعنی اعتدای مبارزات کارگران
و زحمتکشان در دیگر نقاط کشور، یعنی روند سریع جنبش کمونیستی
و در تحلیل نهایی یعنی اوج‌گیری و پیروزی انقلاب دموکراتیک
ایران.

بنابراین مبارزات اقتصادی کارگران و زحمتکشان کشور
مبارزات انقلابی زحمتکشان کردستان جلوه‌های متفاوت انقلابی

دموکراتیک و پامشاری کارگران و زحمتکشان برخواستهای انقلابی خویش است. آنچه از بسیج کل کارگران و زحمتکشان انقلابی برای تصرف قدرت سیاسی، (یعنی پیوند توان مبارزاتی کل رنجبران با شیوه مبارزه زحمتکشان کردستان) جلوگیری کند، همانسا وجود توهمات گنگ بخش وسیعی از توده های زحمتکش به رژیم کنونی است. کلید اعتلای این مبارزات و ایجاد پیوند مبارزاتی میان این دو عرصه نیز جز طرد این توهمات از موصی پرولتری نیست.

(۲) حرکت بورژوازی و حکومت آن در این دو عرصه به وضوح محدودیت های تاریخی و محتوای اقتصادی و سیاسی حاکمیت این طبقه را آشکار می سازد. فقر و فلاکت توده ها و کشور انقلابیون کرد، بیانگر ضروریات و ظرفیت های سیاسی بورژوازی و امپریالیسم در جامعه ما بطور کلی و در انقلاب حاضر بطور اخص است. حکومت نو ظهور امپریالیسم، که خیل خرده بورژوازی و رهبران سیاسی آنرا در رکاب خویش به خدمت دارد، با صدای بلند از چانسب امپریالیسم اعلام می دارد که: آنجا که توده ها به عوام فریبی تسلیم شوند جز فقر و آنجا که آگاهانه بایستند جز جنگ نصیبی نخواهند داشت. بورژوازی با کشتار خود در کردستان به کارگران و زحمتکشان کل کشور اعلام جنگ می کند و در فقر و فلاکت توده ها شرایط صلح مورد علاقه خود را تصویر می کند. و در این عریده جوئی بیش از هر چیز سر جدائی مبارزات کارگران و زحمتکشان در این دو عرصه از یکدیگر، تکیه می زند، چرا که عجز خویش را در رویارویی با قدرت انقلابی کل کارگران و زحمتکشان ایران به وضوح اثبات کرده است.

(۳) از سوی دیگر در شرایط حاضر، کارگران و زحمتکشان مبارز ایران یورش مزدوران جدید بورژوازی و امپریالیسم را صرفا می توانند با ایجاد پیوند مبارزاتی در این دو عرصه پاسخ گویند و سپس با اعتلای مبارزات اقتصادی و ارتقاء آن به عرصه سیاسی و با تعمیم شیوه مبارزاتی زحمتکشان کردستان به کل کشور

به تصرف قدرت سیاسی و دهن بورژوازی و امپریالیسم سرخیزند، جهت دادن مبارزات اقتصادی کارگران و زحمتکشان بر علیه امپریالیسم، بورژوازی و نظام سرمایه داری وابسته و از این طریق در تنگنا قراردادن رژیم سفاک کنونی اش، اولین قدم در راه نامین حمایت توده ای لازم برای مبارزان دلاور کرد است، در این زمینه، فخر و فلاکمی که بورژوازی به کمک میا شربین مقدسش به توده ها تحمیل می کند، خود بیش از پیش پادیه های توهمات آنان را بسسه رژیم کنونی ست خواهد کرد، از سوی دیگر افشای ماهیت سیاسی رژیم کنونی از طریق روشن کردن ماهیت طبقاتی مساله کردستان و برخورد ارتجاعی رژیم به این مساله، از طریق نمایان کردن کارکرد عملی و جنوای سرکوبگرانه "جمهوری و عدل اسلامی" در مقابل کارگران و زحمتکشانی که آگاهانه در کردستان اسنوار پرمواضع انقلاب آرماده اند، خود موثرترین عامل در طرد توهمات توده های کشور به رهبری حربه بورژوازی و دولت بورژوازی کنونی و عامل اعتدالی مبارزات اقتصادی توده های کارگر و زحمتکش و ارتقاء آن به مرحله سیاسی است، جدایی عملی مبارزات اقتصادی کارگران و زحمتکشان بر اساس کشور از مبارزات انقلابی زحمتکشان کسبردن بزرگترین نقطه ضعف جنبش انقلابی ما در مقطع کنونی است، در شرایطی که بورژوازی و امپریالیسم تلاش خود را در تقویت جدایی و سرکوب زحمتکشان در هر دو مرحله جدا از یکدیگر، شدت می بخشند، کوشش در جهت ایجاد پیوند مبارزاتی میان این دو مرحله تعیین کننده مبارزه طبقاتی، و تبدیل آن به مبارزه ای واحد و گسترده بر علیه رژیم کنونی و طیفه خطر کمونیستها است.

(۴) این دو مرحله مشخص تداوم انقلاب ایران، خود به بارزترین وحدت رهنه های رشد جنبش کمونیستی و نیز پیش شرط های وحدت نیروهای کمونیست کشور ما را در شرایط کنونی تعریف می کنند، کمونیستها هر ما در برخورد فعال به مسائل مبهم مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان می توانند مواضع ایدئولوژیک و مبنی سیاسی خود را در معرض نقد مادی پراگماتیک کارگران انقلابی در مرحله

مبارزه طبقاتی قرار داده ، به انجام ایدئولوژیک دست یافتند و به جنبشی با پایگاه توده‌ای وسیع تبدیل شونت ؛ هیچ فایده و معیاری ، جدا از چگونگی برخورد به مسائل مبرم مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان ، نمی‌تواند مبنای نزدیکی گروه‌های کمونیست قرار گیرد و هیچ تهییج ، ترویج و افشاکری ، جسداً از این مسائل ، قادر نیست کمونیست‌ها را به پیشاهنگان بالفعل جنبش کارگری بدل سازد. از اینروست که ما معتقدیم برسمیست شناختن مبارزات کارگران و زحمتکشان بر علیه فلاکت ناشی از بحران اقتصادی - سیاسی نظام موجود ، و نیز مبارزات انقلابی زحمتکشان کردستان ، به مثابه مهمترین مسائل مبارزه طبقاتی در مقطع کنونی ، از طرف کمونیست‌ها ، و تمرکز نیروها در این دو عرصه ، با توجه به محتوا و اهدافی که فوقاً بدان اشاره کردیم ، می‌تواند سرآغاز دوره نوینی در اعتلای جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان و نیز رشد ، بسط ، و انجام جنبش کمونیستی کشور ما گردد .

دورنمای فلاکت و اعتلای نوین انقلاب

تجزیه‌ای درباره اهمیت سیاسی بحران اقتصادی

۱- بحران اقتصادی سرمایه‌داری وابسته، که زمینه اقتصادی شرايط انقلابی دو ساله اخیر را فراهم آورده است، نه تنها هیچ نشانی از فروکش کردن ندارد، بلکه بطرز بارزی نیز تشدید شده است.

بیکاری ملیونی کارگران و زحمتکشان و کاهش شدید سطح معیشت آنان، فلاکت‌رشد یابنده توده‌های وسیع زحمتکش، تورم شدید، کاهش قابل ملاحظه تولید، انقباض اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌ها، و... همه همه دال بر عمق و دامنه بحران موجود است.

۲- بحران موجود، برخلاف تبلیغات ضد انقلابی رژیم کنونی، ابدا زائیده انقلاب نبوده بلکه خود سرمنشأ آنست. این بحران صرفاً بوسیله انقلاب تسریع و تشدید شده است.

تناقضات اقتصادی نظام سرمایه‌داری وابسته*، پس از دوره کوتاهی از انباشت سریع سرمایه که موجبات آسرا افزایش ناگهانی بهای نفت در سالهای ۵۲ و ۵۴ فراهم آورده بود، با پایان این روند صعودی و سکون درآمد نفت، بسه اوج رسید. انقباض ناگهانی پس از یک دوره کوتاه و سریع انباشت به بحرانی منجر شد که از یکسو رقابت میان اقشار مختلف سرمایه را شدت بخشید و از سوی دیگر ضرورت حمله‌ای وسیع و همه‌جانبه را از جانب سرمایه بر سطح معیشت کارگران و زحمتکشان برای سرمایه‌داری ایران آشکار ساخت. لیکن در توضیحاتی کلی و حاشیه‌ای در مورد بحران سرمایه‌داری- بطور کلی و نظام سرمایه‌داری وابسته، ضمناً آخرین جزوه ارائه شده است.

سازم سرمایه‌داری وابسته، که در شرایط معمول و "غیربحرانی" خود نیز سراسر شمار شدید و عربیان و تحمیل شرایط معیشتی ملاکت باز برنوده‌های وسیع کارگرو زحمتکش استوار است، تسد ارگ حمله‌ای جدید بر طبقه کارگرو سایر زحمتکشان نمی‌تواند حاصلی جز فراخواندن آنان به مصافی آشکار بر علیه استعمار و استبدادی که ضامن همیشگی این استعمار است، داشته باشد. چنین بود که در جریان مبارزات زحمتکشان خارج از محدوده تهران شبور آغاز جنگ طبفانی آنکارا زهر دوسو نواخته شد. مسوح مبارزات انقلابی و عمدتاً خودبخودی کارگران و زحمتکشان کشور ما، در شرایطی که سوزووازی وابسته و حکومت آن از حداقل انسجام داخلی و وحدت ایدئولوژیک - سیاسی برخوردار بود، در اولین تلاطم خویش طومار رژیم مزدور شاه را در هم پیچید.

سابق ترتیب با امنای مبارزات کارگران و زحمتکشان و اوج‌گیری انقلاب، سوزووازی نه تنها در اتحاد شرایط مناسب برای حل مشکلات اقتصادی و تثبیت حاکمیت سرمایه بر کار در ایامی گسترده ترموفی نشد، بلکه نفس حاکمیت سیاسی و مالکیت خویش بر وسائل تولید را نیز در معرض خطر یافت. سرمایه‌های مختلف صنعتی، تجاری، و بانکی، "امنیت" خویش را از دست دادند. کارخانه‌داران، تجار، بانکداران و هزاران انگل بزرگ و کوچک دیگر به همراه سرمایه‌های منقول خویش از خوف خصم انقلابی تنده‌های زحمتکش گریختند و آنان که ماندند هرچه داشتند را کد کردند و به انتظار رهنمایی نمایندگان خویش در جبهه ملی و بهت آزادی نشستند. حکومت سوزووازی، این پاسدار منافع کل سوزووازی و کارگزار و مباشر فعال انباشت سرمایه در کشور، به همت کارگران دلاور صنعت نفت و دیگر صنایع دولتی، برای مدتی طولانی در طی انقلاب از بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد خویش محروم گشت. در بخشهای تولیدی دیگر، اعتصابات، تصرف ها و اعمال کنترل مستقیم کارگران بر تولید، سودآوری سرمایه را بشدت تنزل داد. برای سوزووازی رویای حل بحران اقتصادی

بر دوش توده‌ها ، و آغاز دوره جدیدی از انباشت سرمایه بر
متنی از تشدید فقر و استثمار ، به کابوس صادره‌ها ، طبعی‌دها
و اعدامها بدل گشت . بورژوازی در اولین مصاف آشکار سیا
کارگران و زحمتکشان ناگزیر به عقب‌نشینی شد و در این عقب
نشینی بر ابعاد بحران نظام تولیدی خویش شدت بخشید .

۳- اعتلای مبارزات انقلابی ، قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم
مزدور شاه ، از آنجا که به تصرف قدرت سیاسی بوسیله نیرو
های انقلابی منجر نشده و به لطف رهبری خرده‌بورژوازی حاکم بر
جنبش انقلابی ، آنرا همچنان در خدمت آن طبقه‌ای باقی گذاشت
که گریزی از، و تحایلی جز، ابقاء و تحکیم مناسبات سرمایه‌داری
وابسته و نجات آن از مهلکه انقلاب ندارد ، در ماهیت بحران
اقتصادی و ضروریات اقتصادی و سیاسی خروج از آن از دیدگاه
طبقات اصلی جامعه تغییری نداده است :

۳. الف : از نقطه نظر بورژوازی سراپا وابسته ایران ، حل
بحران اقتصادی امپریالیسم در ایران همچنان در گرو تامین
انسجام درونی در طبقه سرمایه‌دار ، سازماندهی دستگاه مرکب
و تثبیت حاکمیت سیاسی بلامنازع بورژوازی ، و حمله سیستم
تیک به سطح معیشت کارگران و زحمتکشان برای فراهم کردن
مقدمات اقتصادی و سیاسی دوره جدیدی از انباشت سرمایه است .
این نکته است که واقعیات مبارزه طبقاتی حتی در مغز کودکان
ترین و خوش خیال ترین سیاستمداران نوظهور بورژوازی نیز
فرو کرده است . طرح وام بیکاری دولت بازرگان ، که هدف
عمده آن رسمیت بخشیدن به فقر توده‌ها به مثابه واقعیاتی
"طبیعی" ، "متعارف" و "پذیرفته شده" بود ، سمینار اقتصاد
دولت که هدفی جز مشروعیت بخشیدن به مالکیت خصوصی بر
وسائل تولید نداشت ، و ... اولین گامها در حمله منظمی بود
که بورژوازی بداهت تمام عمال جدید خود به طبقه کارگرو سایر
زحمتکشان تدارک دیده بود . "حرام کردن" اعتصابات و تظاهرات
کارگری ، تشکیل نیروی ویژه ، پیگرد ، توقیف و حتی ترور

کارگران آگاه و مبارز، حمله به گروهها و سازمانهای مختلف
کارگری و کمونیستی و ... با زحمتکش و حشانه زحمتکشان
کردستان که در برابر سوز و آزاری سرخواستهای خویش با فشردن
همه و همه برای این امر گواهی می دهد که رژیم کنونی دقیقاً وظایف
سیاسی و اقتصادی خویش را، در سرکوب انقلاب و اتحاد زمینه امن
برای حرکت سرمایه بخوشی می شناسد. (۱)

۳. ب: از نقطه نظر طبقه کارگر و سایر زحمتکشان کشور، خروج از
"بحران اقتصادی"، که معنایی جز نابودی فقر و استثمار، حل
انقلابی مسائل فلاکتی که در پیش است و تحقق خواستهای اقتصادی
کارگران و زحمتکشان ندارد. همچنان در کشور تجدید مبارزه طبقاتی
بر طبقه سوز و آزاری سزاها و انسته و نظام امپریالیستی حاکم سر
جامه، سرنگونی حکومت بورژوازی، اعمال حاکمیت دموکراتیک
کارگران و زحمتکشان بر اقتصاد و سیاست کشور است. بطور خلاصه،
حل مسائل فلاکت و دستگیری به خواستهای همه اقتصادی، از نقطه
نظر طبقه کارگر و سایر زحمتکشان کشور در گرو ادامه انقلاب
دموکراتیک و پیروزی آنست. این نیز واقعیتی است که کارگران
و زحمتکشان، هر چند به تدریج، روز بروز بدان آگاه تر می گردند.
این واقعیت در سه ماه اخیر به وضوح آشکار گشته است. اگر
مبارزات مردم خارج از محدوده بر سرمایه مسکن در ابتدای امر
آغازگر مبارزه آشکار طبقاتی و طرح مسائل مردم انقلاب ما در
سطح جامعه بود. مصادره میوه از طرف زحمتکشان تبریز و شکل
تعرضی ای که این حرکت توده ای بخود پذیرفت، طرح مجدد مسئله
مسکن و تصرف اراضی خارج از محدوده توسط زحمتکشان در رویارویی
با پاسداران جمهوری اسلامی، خیزش انقلابی صیادان انزلی و ...
سازگاری بر این واقعیت است که از نقطه نظر رنجبران کشور
مبارزه می باید همچنان تا پیروزی نهایی، به شیوه ای انقلابی
ادامه یابد.

۴- با توجه به آنچه گفتیم، اعتلای نویسی در مبارزات طبقاتی
آنگار کارگران و زحمتکشان بر علیه بورژوازی و حکومت عوام فریب

کنونی‌اش واقعیتی انکارناپذیر است ، اعتلاشی که ناگزیر بار دیگر
مسائل مبرم انقلاب حاضر را با معالجه اساسی انقلاب ما ، تصحیح
قدرت سیاسی بوسیله کارگران و زحمتکشان ، پیوند خواهد داد
بخصوص که :

۴- الف : حل بحران کنونی نظام سرمایه‌داری وابسته بشیوه
مسالمت‌آمیز و از طریق رفم‌های اقتصادی برای بورژوازی مقدر
نیست ، دست‌نخورده ماندن زیربنای اقتصادی سرمایه‌داری وابسته
بدین معناست که رژیم‌کنونی ، که وظیفه رتق و فتق بحران
اقتصادی و سیاسی امپریالیسم در ایران را از رژیم شاه تحویل
گرفته‌است ، علیرغم امکانات سیاسی - ایدئولوژیکی که موقتاً
بر مبنای توهمات روبه زوال توده‌ها از آن برخوردار است ، از
نظر اقتصادی نه‌تنها "راه‌حل" جدیدی را بر روی خود گشوده
نمی‌بیند ، بلکه حتی ناگزیر است در چهارچوبی محدودتر ، بنا
تفاضات حادثه‌شده و شدیدتر و با ظرفیت‌های اقتصادی بسیار ناآلتی
با بحران مواجه شود ، اگر بحران اقتصادی بورژوازی را در زمان
شاه به جنگ طبقاتی آشکار و رویاروی با زحمتکشان ناگزیر می‌کرد ،
امروز این جبر بیش‌از پیش بر دوش او سنگینی می‌کند ، بورژوازی
خود هیچ‌گونه توهمی نسبت به امکان عملی تخفیف بحران از طریق
مسالمت‌آمیز ندارد و در تحلیل نهایی سرکوب‌شدید مبارزات -
اقتصادی و سیاسی زحمتکشان و رسمیت‌بخشیدن به سطح موجود فقر
و فلاکت و حتی تشدید آن را تنها راه رهایی خویش می‌شناسد .
سیاست‌های کوتاه مدت تا مین اعتبارات مصرفی ، ایجاد اشتغال
بگونه‌ای موضعی و اختصاص "یکروز درآمد نفت به عمران اسنانها"
پیش‌از آنکه بیانگر امکانات بورژوازی در تخفیف فلاکت باشد ،
نشانه عجز و در ارتقاء سطح معیشت کارگران و زحمتکشان در جریان
تولید سرمایه‌داری است ، بورژوازی و رژیم کنونی‌اش در تبلیغات
و سیع خود چنین ادعا می‌کنند که رفع فقر و فلاکت توده‌ها مستلزم
"براه افتادن هر چه سریع‌تر چرخهای تولید" است . لیکن نکته
اینجاست که از نقطه نظر سرمایه‌داری بحران زده ایران ، "براه
افتادن چرخهای تولید" خود قبل از هر چیز مستلزم تشدید فقر

و مملکت توده‌هاست، چرا که سرمایه "چرخهای تولید" را صرفاً (و البته، در شرایط کنونی، آنگاه پس از مرکوب سیاسی کارگران و زحمتکشان انقلابی و ایجاد "انحیث" برای سرمایه و سرمایه‌داران)، از طریق ایجاد شرایط استثمار و سودآوری لازم "براه می‌اندازد".

حروقت و هرجا که چرخهای تولید، در چنان رُجوب مناسبات تولیدی موجود، براه افتد، نه تنها موجب کاهش فزونی و فزونی نخواهد شد، بلکه آنرا به مثابه جزئی از واقعیت زندگی کارگران تثبیت خواهد کرد و رسمیت خواهد بخشید. به عبارت دیگر، در شرایط حاضر بورژوازی نمی‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری (تبدیل پول به سرمایه از طریق اشتغال کارمزدی)، سطح معیشت توده‌های زحمتکش را بهبود بخشد. کاملاً برعکس، حرکت پول در جهت استخدام کارمزدی و تبدیل آن به سرمایه، خود مستلزم کاهش شدید سطح معیشت زحمتکشان و تثبیت نرخ استثمار شدید کار در سطح جامعه است. باین ترتیب عقب‌نشینی‌های رژیم در مقابل مبارزات زحمتکشان و رضایت دادن آن به برخی از خواسته‌های اقتصادی آنان (بخصوص در مقابل کارگران بخش‌های مهم تولیدی که از توان مبارزاتی بیشتری برخوردارند)، نه تنها از وحامت بحران اقتصادی بورژوازی نمی‌کاهد، بلکه با انتقال بخشی از درآمد او به زحمتکشان، بدون آنکه این درآمد به سرمایه تبدیل شود، عملاً ظرفیت بورژوازی را در تخفیف بحران از طرق اقتصادی کاهش می‌دهد (۱) هدف اساسی این حرکات بورژوازی، که خود واکنشی در مقابل مقاومت دلیرانه کارگران و زحمتکشان است، در تحلیل نهایی چیزی جز عوام‌فریبی و ایجاد شکاف در صفوف طبقه کارگر نیست و تساهل قدرت عمل بورژوازی و حکومت آن در پیگیری اینگونه سیاست‌های عوام‌فریبانه بسیار محدود است. تحریر و ام‌یکاری، با آن مقدار ناچیز، که تنها به مدت سه ماه و آنهم بنا بر آمار اغراق شده خود دولت به ده درصد کارگران بیکار کشور تعلق گرفت، شکست مفتضحانه سیاست عوام‌فریبانه از دیاد حداقل دستمزدها (۲) بر خورد فوق‌ارتجاعی دولت به مساله زافه‌های جنوب شهر تهران و مسکن بطور کلی و... (۳) همه دال بر محدودیت ریشه‌ای امکانات

حل بحران بطریق مسالمت آمیز بوسیله بورژوازی و حکومت نسو-
طهور آنست .

۴۴ ب : تداوم تناقضات اقتصادی ، جانبداری آشکار حکومت از امپریالیسم و بورژوازی در عرصه های اقتصاد و سیاست ، درکنار فقر شدید توده ها ، پایه های توهمات زحمتکشان را به رژیم کنونی بست کرده و سکون موقتی که این توهمات بر مبارزات مستقیم و آشکار بخش وسیعی از توده های کارگر و زحمتکش تحمیل کرده است ، جای خویش را به دوره جدیدی از اعتراضات و اعتصابات وسیع خواهد داد .

حاکمیت رهبری خرده بورژوازی بر جنبش انقلابی ، آنگاه که این رهبری نفوذ ایدئولوژیک - سیاسی خویش را در خدمت بورژوازی و امپریالیسم و نجات مناسبات سرمایه داری وابسته نهاد ، ناگزیر موجب شد که بخش وسیعی از کارگران و زحمتکشان انقلابی ، به امید تحقق خواستهای خویش توسط "حکومت انقلابی" ، از عرصه مبارزات سیاسی و انقلابی بیرون کشیده شوند . در چنین شرایطی دست بدست شدن صوری حکومت و تغییر عناصر تشکیل دهنده آن ، علیرغم دست نخورده ماندن محتوای طبقاتی اش در تحلیل نهائی ، به امپریالیسم فرصت داد تا انقلابی را که اهداف خویش را صرفاً می توانست با سرنگونی کامل حکومت بورژوازی و نفسی کامل حاکمیت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم متحقق کند ، موقتاً به رکود کشد . واضح است که باین ترتیب رکود مبارزات انقلابی زحمتکشان ، از آنرو نبود که اینان خواستهای اقتصادی و سیاسی خویش را متحقق یافته بودند ، بلکه از آنجهت بود که در تحقق خواستهای خویش به رهبری خرده بورژوازی و دولت بورژوازی امید بسته بودند . اینک دقیقاً به درجه ای که رژیم کنونی و بخصوص خمینی ، موضع طبقاتی و جانبداری خویش را از امپریالیسم و ناگزیر عجز و عدم تمایل خود را در برآورده کردن خواستهای کارگران و زحمتکشان ، آشکار می کنند ، بهمان درجه نیز کارگران و زحمتکشان ضرورتاً از سرگرفتن مبارزات انقلابی را بیشتر و

سخنر درخواهد یافت (۱۵)

بکمه دیگر اینکه، حل شدن خواست‌های اقتصادی نوده‌های
زحمتکش در خواستهای سیاسی و طرح شعار سرگونی به مثابه شعار
فراگیر کارگران و زحمتکشان، که نشانه امتزای جنبش انقلابی
کنور ما زمان قیام بهمن ماه بود، پس از قدرت رسیدن حکومت
حمیبی - بزرگان، خود بهانه‌ای شد برای سوزواری تانحت‌لوی
شعارهای مرصت‌ظنبانه و عوامفریبانه‌ای چون "جوب‌لای چرخ دولت
نگذائش"، "عداکاری برای اسلام و انقلاب اسلامی"، "معنویست
به ماده" و... از تحقق خواستهای اقتصادی کارگران و زحمت
کشان امتناع کند و عملاً در صدد برآید که روحیه انقلابی آنان
را مبنای تعدید استعمار آنان قرار دهد و کار را به آنها برساند
که کارگران میارزی را که بر تحقق خواستهای طبقاتی خویش
پامزاری می‌کنند با برچسب ضدانقلابی تهدیدیه تصبه نماید. اینک
در شرایطی که فلاکندشده‌ها تشدید می‌شود و عوامفریبی‌های رژیم
رنگ می‌تازد، شعارهای اقتصادی، به مثابه اولین جرقه‌های
هشیاری طبقاتی توده‌ها مجدداً در سطح جامعه طرح گشته و زمینه
های مادی بسیج سیاسی نوینی فراهم می‌گردد.

استقرار و تشدید بحران اقتصادی بخودی خود صرفاً می‌تواند زمینه
سیاسی امتزای مبارزات طبقاتی و اوج گیری شرایط انقلابی را
فراهم آورد، ایجاد شرایط دهسی لازم برای بسیج مجدد نوده‌های
وسیع کارگر و زحمتکش برای مبارزه بر سر تصرف قدرت سیاسی، قبل
از هر چیز درگرو دخالت موشرو پیگیر کمونیستها در مبارزاتسی
است که کارگران و زحمتکشان ناگزیر، ولو به گوندای خود بخودی،
پراکنده و سی شکل، در مقابله با عواقب بحران اقتصادی
دنبال می‌کنند.

د. الف: بخودی خود اعتراضات توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش
بر همه اوضاع فلاکت‌باری که پیش رود دارند درجه‌ها رچوب خواست
های محدود اقتصادی (اشتغال، مسکن، بهداشت، تعلیم و
تربیت و...) محصور مانده و به اشکال پراکنده و جدا از هم

در نواحی مختلف کشور صورت خواهد گرفت ، شعارها و تشکیلات این مبارزات نمی‌تواند مبنای آن حرکت انقلابی وسیع گسردد که اساس حاکمیت رژیم کنونی را در عرصه سیاسی نیز بزیبر سوال کشد .

۵. ب : در غیاب دخالت پیگیر و پیوند فعال کمونیستها بسا مبارزات اقتصادی و اوج گیرنده کارگران و زحمتکشان این مبارزات ناگزیر در هر مقطع بصورت مجزایا مقابله همه جانبه رژیم مواجه شده و سرکوب می‌گردد . تنها تلاش مستمر کمونیستها در سمت دهی ، سازماندهی و ایجاد پیوند میان عرصه‌های مختلف این مبارزات می‌تواند ضامن تداوم و ارتقاء آن باشد .

۵. ج : در غیاب دخالت موثر کمونیستها ، غلای ایدئولوژیک سیاسی موجود ؛ این امکان را به نیروهای ضد انقلابی و پاساژشکار می‌دهد تا مجددا مبارزات کارگران و زحمتکشان را به سکسون کشانیده ، وجه‌المعامله خویش در کسب سهم بیشتری در قدرت سیاسی قرار داده و یا حتی آنرا به عکس خود ، یعنی به نیرویی توده‌ای برای سرکوب نهادهای دموکراتیک و انقلابی جامعه بدل سازند .

۵. د : در غیاب دخالت موثر کمونیستها ، در سطوح ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی ، مبارزات اقتصادی و اوج گیرنده توده‌های کارگر و زحمتکش ناگزیر در قید و بند اتوپی‌های خرده بورژوازی (از قبیل جامعه بی طبقه توحیدی و ...) ، تشکیلات مساواتی طبقاتی (شوراهای اسلامی و غیر اسلامی "کارکنان" ، و ...) و دموکراتیسم ناپیگیر خرده بورژوازی (جایگزین کردن "مطالبه" حقوق دموکراتیک و اقتصادی از "رهبری" بجای مبارزه طبقاتی) اسیر می‌ماند و طبقه کارگر و سایر زحمتکشان از سلاح ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی لازم برای ارتقاء و پیروزی مبارزات خسود محروم می‌مانند . تنها دخالت فعال کمونیستها در مبارزات اقتصادی جاری ، تثبیت برنامه پرولتاریا در میان کارگران

و زحمتکشان ، اشاعه سوسیالیسم بسطه منشا به تنه ساراه
واقعی یا بودی قطعی فقر و استعمار و تشبیهت اشکال نشکبلاسی ،
شمارها و شیوه های مبارزاتی ای که عملا رهبری پرولتاریا
و پیشاهنگان کمونیست آنها در مبارزات روبه رشد توده های
کارگر و زحمتکش تضمین نماید ، است که می تواند مجموعه شرایط
لازم برای اوج گیری نوین انقلابی ، بشروی و در تحلیل نهایی
پیروزی نیروهای انقلاب را فراهم آورد .

ع. از سوی دیگر ، دخالت موثر در مبارزات اقتصادی جاری ، خود
پیش شرط رشد جنبش کمونیستی و پیوند آن با جنبش انقلابی طبقه
کارگر است .

اگر قبول کرده ایم که منشا اصلی قدرت رژیم کنونی در سرکوب
انقلاب ایران را اعتماد کنگ توده ها به خمینی و حکومت
منتصاب و تشکیل می دهد ، اگر پذیرفته ایم که افشای بی امان
ماهیت طبقاتی و نقش مدا انقلابی رژیم کنونی شرط لازم اعتلای
مجدد انقلاب دموکراتیک و پیروزی آنست ، اگر پذیرفته ایم که
این امشاگری می باید از موضع مشخص کارگری و در کنار طرح برنامه
پرولتاریا در انقلاب حاضر تبلیغ مستمر سوسیالیسم انجام
پذیرد . و اگر پذیرفته ایم که وحدت گروهها و سازمانهای
کمونیستی صرفا در متنی از حرکت مشترک در مرصه مبارزات طبقاتی
مستقیم کارگران و زحمتکشان ممکن می گردد ، آنگاه بایست
بپذیریم که کمونیستها می باید سرخورد به مساله بحران
اقتصادی و فلاکت روز افزون توده ها را به عنوان یکی از مبسرم
ترین مسائل مبارزه طبقاتی و جنبش کمونیستی در دستور کار
قرار دهند چرا که :

ع. الف : با توجه به آنچه گفتیم توده های وسیع کارگر و زحمتکش
مبارزات خویش را عمدتا از مرصه اقتصادی و بر مبنای
حواستهای اقتصادی طبقه خود از سر خواهند گرفت .

ع. ب : جز رژیم در سرخورد ربهشای با مساله بحران و فلاکت

و ناگزیری وی از اتخاذ سیاست‌های سرکوبگرانه در تحلیسل نهائی، زمینه را به مساعد سرین وجه برای طرد توهمات توده‌ها آماده می‌سازد. اگر کشتار مبارزان کرد، ابعاد و ظرفیت های دیکتاتورمنشانه و سرکوبگرانه بورژوازی و حکومت کنونی اش را به بارزترین وجه برملا می‌سازد، فقر شدید توده‌ها و چپاولگری بورژوازی، پوسیدگی و انحطاط تاروپود وزیربنای اقتصادی نظام سرمایه‌داری وابسته را آشکار می‌کند. سرکوب وحشیانه زحمتکشان کردستان و فلاکت و استعمار شدید کارگران و زحمتکشان کل کشور، دو وجه از یک واقعیت - نظام کنونی و حکومت آن - را در معرض تجربه کارگران و زحمتکشان قرار می‌دهد، و کمونیست‌ها می‌توانند و بایند با اتخاذ سیاست‌سی افشاگرانه بر اساس دو مساله مبرم کردستان و فلاکت، این تجارب دردناک زحمتکشان را به تجاربی انقلابی، در خدمت رشد آگاهی و شکل سیاسی توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش بدل سازند.

۶.ج: بحران اقتصادی و فقر توده‌ها اذهان زحمتکشان را برای مقایسه‌ای حیاتی آماده ساخته است: برنامه کمونیست‌ها در انقلاب دموکراتیک و در تحلیل نهایی سوسیالیسم می‌تواند در مقایسه با تجربه روزمره توده‌ها از "راه حل" بورژوازی، که در مقطع کنونی مشروعیت خود را از اسلام و فقهای آن می‌گیرد، سرعت و با عمق و دامنه زیاد در میان کارگران و زحمتکشان جای باز کرده و به چهارچوب اصلی و غیرقابل انکار طرح خواستهای انقلابی کارگران و زحمتکشان در شرایط آتی و آتی تبدیل شود.

۶.د: زحمتکشانی که شاه مزدور را سرنگون کرده‌اند و اینسک در تجربه روزمره خود به نقد توهمات و اعتماد گنگ خویش به جانشینان خلف‌آ و کشیده شده‌اند، به شدت آمادگی تشکل پذیری در چهارچوب رهنمودهای تشکیلاتی - سیاسی کمونیست‌ها را دارا خواهند بود. پیوند جنبش کمونیستی با جنبش کارگران و زحمتکشان و اختلای هر دودر گروبرخورد همه جانبه، مشخص و عملی کمونیست‌ها به مبارزات اقتصادی و اوج گیرنده زحمتکشان است.

۶. هـ : برخورد تشوریک و عملی فعال کمونیستها به مساله بحران
 و فلاکت ، و شرکت مستقیم گروه ها و سازمانهای کمونیست در
 مبارزات معدومتاً اقتصادی و زحمتکشان در این مقطع مشخص ،
 تا کریز رمنه های طرح مساله وحدت کمونیستها را - بر مبنای
 مادی و پیوندی واقعی با جنبش طبقه کارگر - فراهم می سازد. (۶)
 ۶. و : عدم حرکت سازمانهای انقلابی کمونیستی در رهبری و
 سازماندهی این مبارزات ، می تواند در نهایت به نکست آن ،
 تثبیت ابعاد جدیدتر اقتصادی به مثابه "شرایط متعارف زندگی
 کارگران و زحمتکشان و موفقیت بورژوازی در آغاز دوره جدیدی
 از سیاست سرمایه منجر گردد.

۷- برخورد همه جانبه و فعال با مساله بحران اقتصادی و فلاکت
 مستلزم این خواهد بود که سازمانها و گروه های کمونیستی انجام
 وظایف زیر را در دستور کار خویش قرار دهند:

۱- اشتباه بحران اقتصادی کنونی ، ریشه های اقتصادی و سیاسی
فلاکت توده های زحمتکش ، طرفین های اقتصادی و سیاسی بورژوازی
و حکومت آن در برخورد با این مساله و بویژه آلترناتیو
پرولتری (کمونیستی) در مقابل بحران اقتصادی را ، از نظر
تشوریک ، به مثابه جزئی تعیین کننده از شی و برنامه
پرولتاریا در انقلاب حاضر فرموله کنند. واضح است که در
 این مقطع تعیین از تشتت فکری نیروهای مختلف جنبش کمونیستی ،
 رسیدن به یک فرمول بندی واحد از مساله بیش از هر چیز در گرو
 دامن زدن به مباحثاتی وسیع در سطح جنبش کمونیستی و نقد
 و طرد نقطه نظرات انحرافی و غیر مارکسیستی است . بایست
 توجه داشت که تمرکز بخش وسیعی از انرژی و توان گروهها و
 سازمانها بر دخالت در مبارزات اقتصادی و اوج گیرنده شده های
 کارگر و زحمتکش ، اندام حرکتی "اکنونیستی" نبوده ، بلکه
 خود زمینه بسیار مساعدی برای طرد هرگونه انحراف اکونومیستی
 از جنبش کمونیستی ما را فراهم می آورد. مبارزات اقتصادی
 طبقه کارگر در واقعیت امر بازتاب گرایش آنان به مرز بندی

مشخص طبقاتی و آغاز نقد طبقاتی دیدگاههای عموم خلقی و بورژوازی است که با چسباندن القاب "ملی" و "مترقی" به بخشی از بورژوازی ایران، درحقیقت رژیمن کنونی به توده های زحمتکش نقش موثری ایفا نموده است. این مبارزات که بیانگر هوشیاری مجدد کارگران و زحمتکشان به انگیزه های بنیادی حرکت انقلابی شان است، با مبارزات روزمره کارگران و زحمتکشان برای بهبود اوضاع رفاهی و معیشتی شان در اوضاع غیرانقلابی عمیقاً متفاوت است. رها کردن ویا کم بها دادن به این مبارزات، به بهانه احترام از اگونومیسم ویا دخالت در آن از دیدگاهی اگونومیستی و لیبرالی هر دو در عمل به ندیده گرفتن پتانسیل سیاسی و انقلابی خیزش نوین اقتصادی و لاجرم به فراهم آوردن زمینه های شکست و سرکوب آن منجر خواهد شد.

۲۰۷- تدقیق مواضع تئوریک در قبال بحران اقتصادی را با تدوین برنامه عملی معینی همراه نمایند.

چهارچوب کلی حرکت کمونیستها را در برخورد با مساله بحران اقتصادی و فلاکت توده ها، برنامه کمونیستها در انقلاب حاضر تشکیل می دهد. تدوین این برنامه، که می باید بر اساس موضع گیری ها و تحلیل های مشخص گروه ها و سازمانها و مباحثات مستمر آنها شکل نهایی خویش را بدست آورد، یکی از مبرم ترین وظایف کمونیستها در مقطع کنونی است. تدوین برنامه های سیاسی-مبارزاتی مشخص در چهارچوب خط مشی کلی کمونیستها در انقلاب حاضر و در برخورد با مسائل معین مبارزه طبقاتی، دقیقاً مجرای پیوند تئوری انقلابی و مبارزه ایدئولوژیک با مبارزات کارگری است، و ارائه تحلیل و برنامه مشخص در قبال مساله بحران اقتصادی سرمایه داران ایران و فلاکت روزافزون توده های کارگر و زحمتکش (و نیز مساله کردستان) اولین قدم در این راه خواهد بود.

۳۰۷- از نقطه نظر ترویجی - تهییجی، مقایسه راه حل های پرولتاری و بورژوازی در مورد مساله فلاکت، افشای بی امان سیاست

در توضیح بر مبنای افشای ماهیت طبقاتی آن و محتوای معنی آیین
سیاست‌ها، و در کنار آن توضیح و تبلیغ راه حل پرولتری سبب
مشابه تنها راه حل مسأله فلاکت، می‌باید در سطوح مختلف در میان
توده‌های کارگر و زحمتکش پیگیرانه دنبال شود.

مضمون اساسی تعلیقات ما را نشان دادن این نکته تشکیل می‌دهد
که حل مسأله فلاکت به شیوه پرولتری، قبل از هر چیز، مستلزم
تصرف قدرت سیاسی بوسیله کارگران و زحمتکشان و سرنگونی
حکومت بورژوازی است. در این رابطه می‌باید به مبارزات کرد-
ستان، به‌مثابه عرصه‌ای که زحمتکشان هم اکنون برای اعمال
اراده خویش مبارزه می‌کنند، و بر ضرورت همبستگی مبارزات
توده‌های فقیر با مبارزات زحمتکشان کرد تاکید کرد. انجام
این وظیفه خطیر درگرو تخصیص بخش مهمی از امکانات تبلیغی
گروه‌ها و سازمانهای سیاسی به این عرصه مهم است. مسأله
فلاکت می‌باید در روزنامه‌ها و ارگانهای سازمانها، در اعلامیه
ها، در تبلیغات شعاعی کارهای کمونیست در محافل و هسته‌های
کارگری جای مهمی را بخود اختصاص دهد.

۴۰۷- بر مبنای برنامه و آلترناتیو مشخص پرولتری (کمونیستی)
در مقابل مسأله فلاکت، آن شعارهای عام را، که جوهر آیین
برنامه را به اختصار بیان می‌دارد، و نیز شعارهای خاصی را، که
در برخورد با مسائل مشخص هر عرصه مبارزه (بیکاری، تورم، مسکن،
بسیداشت، سوخت و...) ضروری است، طرح و تبلیغ نمایند.

نکته‌ای که می‌باید در این رابطه تاکید شود مسأله شعور
و سندیکا است. در شرایطی که جناحهای مختلف رژیم، شعور
و سندیکارابه مشابه ابزاری مکمل و با آلترناتیو، برای
کنترل مبارزات کارگری و افزایش بهره‌وری، با محتوای کاملاً
اربعاعی طرح و تبلیغ می‌کنند^(۷)، بحران اقتصادی و رویارویی
ناگزیر کارگران و زحمتکشان با کارفرمایان و دولت، می‌رود تا
با ردیگر مسأله تشکیلات مستقل کارگری را به نحو همه‌جانبه‌ای
در عرصه مبارزه طبقاتی مطرح سازد. روشن کردن نقاط ابهام